درک معنای «سلم» از کاربرد آن در آیه¬ی «مُسَلَّمَةٌ لا شِيَةَ فِيهَا»

آنچه که در ذهن بنده، به‌عنوان یک طلبه، گذشته و برای خود بنده در مواضع مختلف خیلی جالب بوده است، این آیه‌ی شریفه بوده است. آیه‌ی شریفه و آن وقت کاربردهای آن. در التحقیق فرمودند: «یقابل الخصومة»؛ سالم یعنی مقابل خصومت. اگر هم بدن صحیح و سالم می‌گوییم، یعنی در این بدن خصومت نیست. مرض که می‌آید، مرض با بدن درگیر می‌شود. در بدن مریض، اختصام و دشمنی است. او دارد می‌جنگد. امروزه می‌گویند: سیستم ایمنی بدن. پاسبانها با آن درگیر شده‌اند که مریض شده است. پس اصل «سلم»، یعنی ضد خصومت. سلامتی در کار هست، یعنی خصومت در کار نیست.

شاگرد: خصومت در کار نیست ای «سلم» هست؟

استاد: فرمودند: «ما یقابل الخصومة». یعنی خصومتی در کار نیست. دنباله‌ی عبارت دارند: «و هو الموافقة الشديدة في الظاهر و الباطن»[1]. شاید در آن روایت هم دارد که قبلاً در عرب وقتی برای ورود سلام می‌گفتند – تحیت یعنی زنده باشی - سلام به این معنا بوده است که تا یک کسی بر دیگری وارد می‌شود، مظنه‌ی خوف از او هست. یعنی آمده است که چه کار کند؟! چه نظر و قصدی بر ما دارد؟! به محض اینکه وارد می‌شود، می‌گوید: «سلام علیکم». یعنی از ناحیه‌ی من، هیچ رقم درگیری و شقاقی نیست. دلت جمع باشد. خاطرت جمع باشد. امن هست. سلامی که به‌معنای ورود است، در امنیت قرار دادن است. سلم محض است. من برای درگیری و دشمنی و صدمه زدن به تو نیامده‌ام. خُب، این معنا خوب است. اما اینکه انسان از یک چیز محسوس و خیلی روشنی، معنای لغت را در بیاورد، آن هم از مثل قرآن کریم، لذت دیگری دارد.

---

[1]. علامه‌ی مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۵، ص ۱۸۸.

بازبینی #2
ایجاد شده 22 ژوئن 2024 13:57:03 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 ژوئن 2024 14:36:39 توسط ... .